

رژیم های بین المللی محیط زیست با رویکرد حفظ منابع برای نسل های آینده

سیده نیکو موسوی داویجانی^۱

خیراله پروین^{*۲}

عبدالکریم شاحیدر^۳

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی حقوق بین الملل محیط زیست با رویکرد حفظ منابع برای نسل های آینده می باشد. بهره برداری بی رویه و ورود خسارات محیط زیستی توسط بشر، سبب نگرانی در تحقق حقوق نسل های آینده شده است. شناسایی حقوق نسل های آینده، گامی مهم برای دست یابی به توسعه پایدار است، که در این راستا حفاظت از محیط زیست و بهره برداری معقولانه و منصفانه از منابع در جهت دست یابی به آینده ای پایدار که به موجب آن حقوق نسل های آینده تضمین شود، وظیفه جامعه بین المللی به شمار می آید. در این راستا، مفهوم حقوق نسل های آینده که بدوا با تصویب منشور ملل متحد ۱۹۴۵ به عرصه حقوق بین الملل ورود پیدا کرد و متعاقبا با صدور اعلامیه استکهلم ۱۹۷۲ در حقوق بین الملل محیط زیست توسعه یافت. با این همه مفهوم "حقوق نسل های آینده" به عنوان اصلی اخلاقی یا هنجاری با ابهامات بسیاری روبرو است، در این مقاله به روش تبیینی به مساله حق نسل های آینده در پرتو رژیم های زیست محیطی بین المللی تمرکز شده است.

واژگان کلیدی: توسعه پایدار، حقوق نسل های آینده، رژیم های بین المللی محیط زیست

10.22034/ir.2022.362026.2267

۲۵۵

پژوهش های بین المللی
روابط بین الملل

فصلنامه
پژوهش های
روابط بین الملل،
دوره سیزدهم،
شماره اول، شماره
پیاپی چهل و
هشت، بهار ۱۴۰۲

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران.

۲. استاد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

* khparvin@ut.ac.ir

۳. استادیار، گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۷/۲

فصلنامه پژوهش های روابط بین الملل، دوره سیزدهم، شماره پیاپی چهل و هشت، صص ۲۷۸-۲۵۵

مقدمه

توسعه ابزارهای مالی از اهداف و اولویت‌های کشورهای در حال توسعه است و اصلاح ساختار بازارهای مالی در کشورهای در حال توسعه امری اجتنابناپذیر و ضروری است. با توجه به اینکه هدف اصلی بسیاری از سیاست‌های اقتصادی، دستیابی به سطح توسعه است، مخاطرات زیست‌محیطی ناشی از فعالیت‌های اقتصادی به موضوع مهم و بحث‌برانگیز تبدیل شده و ارتباط میان توسعه‌یافتگی جوامع و میزان دستیابی به استانداردهای زیست‌محیطی بسیار مورد توجه قرار گرفته است. توسعه و خصوصا توسعه مالی از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تجارت سبب افزایش درآمد در کشور می‌شود و تقاضا برای بهبود کیفیت محیط زیست افزایش می‌یابد و در نتیجه فشار بر سیاستگذاران و دولت برای وضع سیاست‌های زیست‌محیطی بیشتر می‌شود، بنابراین دولت‌ها سیاست‌های سختگیرانه‌تری را اتخاذ می‌کنند که یکی از این سیاست‌ها اخذ مالیات از بنگاه‌های آلوده کننده است و با سخت‌تر کردن سیاست‌های زیست‌محیطی آنها مجبور به استفاده از تکنولوژی‌های نوین برای کاهش هزینه‌های زیست‌محیطی می‌شوند (اصغری و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۹-۱۸). معضلات زیست‌محیطی گوناگون مانند تأثیرات گازهای گلخانه‌ای، آلودگی هوا، انهدام لایه ازن، بارانهای اسیدی، تهدید حیات وحش و ... از جمله مواردی است که موجب می‌شود ما نسبت به محیط زیست خود حساس‌تر شویم و درصدد حفاظت از آن برآییم. امروزه روند اصلی حقوق محیط زیست از طریق هنجارها و موضوعات وارد حقوق بشر بین‌المللی و مؤسسات بشردوستانه شده است و جوامع کنونی به‌طور فزاینده‌ای به حفاظت محیط زیست بخصوص با نگاهی به حقوق نسل آینده به‌عنوان بخش مهمی از برنامه کار حقوق بشر می‌نگرند (کیس و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۵). نکته شایان توجه آن است که حفاظت از محیط زیست به معنای آن نیست که هیچ‌گونه بهره‌برداری از طبیعت صورت نگیرد، زیرا در این صورت توسعه بی‌معنا خواهد بود، بلکه مقصود از حفاظت، مدیریت صحیح بر چگونگی مصرف انسان از بیوسفر است، به‌طوری‌که هم بیشترین استفاده ممکن از منابع را برای نسل حاضر تأمین کند و هم ذخیره منابع را برای برآوردن نیاز نسل‌های آینده نگهداری کند، از این‌رو حفاظت هیچ‌گونه تباینی با بهره‌وری اصولی از طبیعت و توسعه ندارد، بلکه با نحوه

بهره برداری از طبیعت مرتبط است (تقی زاده انصاری، ۱۳۹۴: ۵). این دیدگاه با نظرهای طرفداران جنبش عمیق زیست محیطی در تعارض است، چراکه ویژگی بارز آنها شناخت ارزش ذاتی همه موجودات زنده و استفاده از این دیدگاه در شکل گیری سیاست های زیست محیطی است و به زعم آنان اکولوژی و محیط زیست مانند بشریت حق زندگی و شکوفایی دارد. (Drengson, 2015: 1) همچنین به عقیده آنها ما نمی توانیم کارهایی را که به سیاره مان آسیب می رساند انجام دهیم، همانطور که انگشت خود را قطع نخواهیم کرد، از این رو آنها خواستار اقدامات ضربتی برای جلوگیری از دستکاری طبیعت به دست انسانها شده اند. (Atkisson, 2019: 24)

حقوق نسل های آینده در واقع حقوقی است که به موجب آن منافع یک نسل اعم از طبیعی و فرهنگی که از نسل قبل به ارث رسیده است، به نسل آینده انتقال می یابد، که به موجب آن حفاظت از منابع طبیعی تجدیدپذیر و حمایت از اکوسیستم و جریان های تقویت کننده حیات و علاوه بر آن حمایت از دانش بشر و فرهنگ و هنر به عنوان یک ضرورت تلقی می شود و مستلزم اجتناب از فعالیت های زیان آور و غیر قابل جبران آن بر طبیعت و میراث فرهنگی است. نگرانی بشریت و دغدغه ای که در مورد نسل موجود و نسل آینده وجود دارد، سبب شکل گیری این مفهوم گشت. در بیان مفهوم حقوق نسل های آینده باید به این مسأله توجه کرد که تأمین نیازهای نسل های آینده ضروری است و توانایی باز تولید منابع در جهت حفظ حقوق نسل های بعدی نباید به خطر بیافتد. باید گفت مفهوم و واژگان حقوق نسل های آینده در سال ۱۹۴۶ در کنوانسیون نظارت بر صید نهنگ برای اولین بار به طور رسمی در اشاره به منافع ذخایر نهنگ برای نسل های آینده وارد گردید و در اسناد متعدد دیگری بعد از عصر اکولوژی نیز از این مفهوم استفاده شد. در ادامه به جایگاه مفهوم حقوق نسل های آینده در معاهدات بین المللی و مقررات داخلی و ملی پرداخته می شود.

۱. معاهدات بین المللی زیست محیطی در مقیاس جهانی

مقدمه کنوانسیون بین المللی تنظیم شکار نهنگ ۱۹۴۶ تصریح نموده است که: «ملت های جهان منفعت مشترکی دارند که بایستی به نفع نسل های آینده حفظ شود». همچنین ماده ۴ کنوانسیون حفاظت میراث فرهنگی و طبیعی جهان ۱۹۷۲ اعلام

می‌دارد: «هر یک از دولت‌های عضو کنوانسیون حاضر می‌پذیرد که تعهد تشخیص، حکایت، حفاظت و شناساندن میراث فرهنگی واقع در قلمرو خود مذکور در مواد ۱، ۲ و انتقال به نسل‌های آینده در وهله‌ی اول وظیفه همان دولت است و برای نیل به این هدف دولت مذکور با توسل به حداکثر امکانات موجود خود و نیز در صورت اقتضاء از طریق جلب مساعدت و همکاری‌های بین‌المللی، به ویژه کمک‌های مالی، هنری، علمی و فنی، بذل مساعی خواهد کرد». ضمناً ماده‌ی ۴ این کنوانسیون نیز به آگاهی کشورها درباره‌ی وظیفه آنان به حصول اطمینان از شناسایی، حمایت، حفاظت، معرفی و انتقال میراث فرهنگی و طبیعی موجود در قلمرو خود به نسل‌های بعدی تصریح دارد. (مسئولیت عمومی به نسل‌های آینده) مقدمه‌ی کنوانسیون تجارت بین‌المللی گونه‌های جانوران و گیاهان وحشی در معرض خطر انقراض و نابودی واشنگتن ۱۹۷۳ با معرفی این گونه‌های غیرقابل‌جانشینی و اهمیت حفظ آنها برای نسل‌های حاضر و آتی، از کلیه منابع و جلوگیری از بهره‌برداری بی‌رویه لحاظ نمایند. همچنین مقدمه‌ی کنوانسیون بن در حفاظت از گونه‌های مهاجر وحشی ۱۹۷۹ اعلام داشته است: «طرف‌های متعاقد آگاهاند از اینکه تمامی نسل‌های بشر باید منابع کردی زمین را برای نسل‌های آینده حفظ کنند و التزام دارند که از حفظ و بهره‌برداری خردمندانه این میراث در جایی که به کار گرفته می‌شود اطمینان حاصل نمایند» ضمناً کنوانسیون پاریس در خصوص حفاظت از آبزیان آتلانتیک شمال شرقی ۱۹۹۲ به اهمیت این آبزیان به عنوان حقوق نسل‌های آینده که یکی از پایه‌های منافع مشترک بشریت است، اشاره دارد (Brenton, 2019:62).

ضمناً مقدمه‌ی کنوانسیون چهارچوب تغییرات آب و هوایی ۱۹۹۲ نیز که از مهم‌ترین معاهدات زیست‌محیطی بین‌المللی است به تصمیم کشورها در حفظ سیستم آب و هوایی برای نسل‌های کنونی و آینده اشاره شده است. و همچنین بند ۱ ماده ۳ کنوانسیون تغییرات آب و هوا با بکار بردن عبارت (باید) به طور صریح به حمایت از سیستم‌های آب و هوایی به نفع نسل‌های حاضر و آینده اشاره دارد، این ماده اعلام می‌دارد: «اعضاء می‌بایست سیستم آب و هوا را به نفع نسل‌های فعلی و آینده بشر بر مبنای تساوی و بر طبق مسئولیت‌های مشترک ولی متفاوت و قابلیت‌های خود مورد حمایت قرار دهند، بنابراین کشورهای پیشرفته می‌بایست پیشرو مبارزه با تغییرات آب و هوا و آثار سوء آن

باشند. همچنین بند نهایی مقدمه‌ی کنوانسیون تنوع زیستی ریو ۱۹۹۲ که همانند کنوانسیون تغییر آب و هوا از اصلی‌ترین معاهدات زیست محیطی است، به تصمیم اعضا برای حفظ و بهره‌برداری پایدار از تنوع زیستی برای حفظ منافع نسل‌های کنونی و آینده تصریح شده است. بند نهایی ماده ۲ این کنوانسیون نیز به صراحت بیان می‌دارد که: «استفاده پایدار از منابع تنوع زیستی به معنای آن است که استفاده از اجزای تنوع زیستی به شیوه و به مقداری صورت می‌گیرد که منتهی به کاهش دراز مدت تنوع زیستی نگردد تا به این ترتیب توانمندی‌های آن برای تأمین نیازها و آرزوهای نسل‌های آینده حفظ گردد». کنوانسیون حفاظت و استفاده از منابع آبی فرامرزی و دریاچه‌های بین‌المللی ۱۹۹۲ نیز اعلام می‌دارد: «منابع آبی باید تا اندازه‌ای که نیازهای نسل‌های حاضر را تأمین نماید حفاظت شوند، بدون آنکه توانایی نسل آینده برای تأمین نیازهایشان تضعیف گرداند». (این ماده اصل توسعه پایدار، تشخیص نیازهای هر دو نسل حال و آینده را مدنظر قرار داده است). همچنین در بند نهایی مقدمه‌ی کنوانسیون پاریس کنوانسیون ملل متحد برای مقابله با بیابان زدایی در کشورهای در معرض خشکسالی شدید و یا بیابان زدایی به ویژه در آفریقا ۱۹۹۴ آمده است: «که کشورهای امضاکننده مصمم هستند اقدام مناسب در مقابله با بیابانی شدن و تخفیف پیامدهای خشکسالی را برای حفظ منافع نسل‌های کنونی و آینده به عمل آورند» (Sand, 1993:45-51).

در مقدمه‌ی کنوانسیون نیویورک راجع به حقوق بهره‌برداری از آبراه‌های فرامرزی و دریاچه‌های بین‌المللی برای مقاصد غیر کشتیرانی ۱۹۹۷ نیز اشاره شده است: «که کشورهای جهان با طرح یک کنوانسیون چارچوب از استفاده، توسعه، حفظ، مدیریت و حمایت از آبراه‌های بین‌المللی و بهره‌برداری بهینه و پایدار از این آبراه‌ها برای تأمین مصالح نسل امروز و نسل‌های آینده اطمینان خواهند یافت». همین‌طور در مقدمه‌ی کنوانسیون آرهوس مصوب ۱۹۹۸ که نوع جدیدی از معاهدات زیست محیطی است که در آن حقوق محیط زیست با حقوق بشر مرتبط شده است به حفظ و بهبود محیط زیست در راستای منافع نسل‌های حاضر و آینده اشاره دارد. همچنین هدف کنوانسیون آرهوس مطابق ماده ۱ همکاری برای حفاظت از حقوق نسل‌های حاضر و آینده اعلام داشته است. پاراگراف ۲ مقدمه کنوانسیون استکهلم درباره آلاینده‌های آلی پایدار ۲۰۰۱

نیز تصریح داشته است که: «با شناخت اینکه آلاینده‌های پایدار دارای خصوصیات سمیت، مقاومت در برابر تجزیه، در بدن موجودات زنده تجمع یافته و از طریق هوا، آب و گونه‌های مهاجر، در بین مرزهای بین‌المللی جابه‌جا شده و در مکان‌های بسیار دورتر از محل رهاشدن آن‌ها در اکوسیستم‌های آبی و خشکی انباشته شده و رسوب می‌کنند، با اطلاع از مخاطرات بهداشتی خصوصاً در کشورهای در حال توسعه در اثر تماس مستقیم با آلاینده‌های آلی پایدار به ویژه اثرات آنها روی زنان و متعاقباً روی نسل‌های آینده» که اشاره ویژه این کنوانسیون به لزوم محافظت از زنان، که مادران نسل‌های آینده هستند، در برابر آثار نامطلوب آلاینده‌های آلی پایدار قابل توجه است (Brenton, 2019:17). ضمناً ماده ۳ کنوانسیون چارچوب درباره کنترل تنباکو ۲۰۰۳؛ هدف کنوانسیون و پروتکل‌های آن را چنین بیان می‌کند: «حفظ نسل کنونی و نسل‌های آتی در برابر آثار مخرب بهداشتی، اجتماعی، زیست محیطی و اقتصادی مصرف تنباکو و تماس با دود تنباکو». و کنوانسیون مشترک در مدیریت ایمنی سوخت مصرف شده و مدیریت ایمنی زباله‌های رادیواکتیو ۱۹۹۷، از این رو ملاحظه می‌گردد که معاهدات بین‌المللی در سطح جهانی به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم در صدد تبیین و به رسمیت شناختن مفهوم حقوق نسل‌های آینده به عنوان یکی از مفاهیم اساسی حقوق بین‌الملل می‌باشند. وسعت و تعداد اسناد حقوقی نشان می‌دهد که نگرانی برای نسل‌های آینده به عنوان یک اصل راهنما در هنجارهای بین‌المللی توسعه یافته است. با این حال این ارجاعات در بیشتر قسمت‌ها از جمله در مقدمه و در متن اسناد وجود دارند.

۲. معاهدات بین‌المللی زیست محیطی در مقیاس منطقه‌ای

علاوه بر آن، حقوق نسل‌های آینده در بسیاری از معاهدات منطقه‌ای مورد توجه واضعان حقوق بین‌الملل قرار گرفته است. مقدمه‌ی کنوانسیون منطقه‌ای کویت برای همکاری درباره حمایت از محیط زیست دریایی در برابر آلودگی ۱۹۷۸ تصریح کرده است که: «با آگاهی از اهمیتی که همکاری و هماهنگی اقدامات بر اساس منطقه‌ای با هدف حمایت از محیط زیست دریایی به سود کلیدی طرف‌های ذی نفع منجمله نسل‌های آینده دارد». مقدمه‌ی کنوانسیون حفاظت از نواحی دریایی آتلانتیک شمال شرق ۱۹۹۲ نیز تصریح

نموده است که: «باید برای رفع نیازهای نسل حاضر و آتی نواحی دریایی به صورت پایدار حفظ شوند.» همچنین در ماده ۱ کنوانسیون برای حفاظت از تنوع زیستی و حمایت از مناطق اولویت دار حیات وحش در آمریکای شمالی (کاستاریکا، السالوادور، گواتمالا، هندوراس، نیکاراگوا، پاناما) ۱۹۹۲ هدف کنوانسیون حفاظت، در حد ممکن، از تنوع بیولوژیکی زمینی و ساحلی دریایی در منطقه آمریکای مرکزی به سود نسل حاضر و نسل های آتی ذکر شده است. به نظر می رسد که افزودن عبارت «در حد ممکن» تا حدود زیادی از قاطعیت مصوبات این کنوانسیون در رابطه با مفهوم برابری نسل ها می کاهد و سبب بروز ابهام در تفسیر این کنوانسیون می گردد. ماده ۱ کنوانسیون منطقه ای درباره ی تغییرات آب و هوا (کاستاریکا، السالوادور، گواتمالا، هندوراس، نیکاراگوا، پاناما) ۱۹۹۳ نیز مشارکت در حمایت از حق هر انسان در نسل کنونی و نسل های آتی برای زندگی در محیطی مناسب برای تأمین سلامت و رفاه وی به عنوان هدف کنوانسیون ذکر شده است. مقدمه ی کنوانسیون حفاظت از محیط زیست دریایی دریای خزر (کنوانسیون تهران) ۴ نوامبر ۲۰۰۳ نیز به مفهوم حقوق نسل های آینده اشاره داشته است (Tanzi & Arcari, 2020:16).

۳. حقوق نسل های آینده در مقررات و قوانین ملی زیست محیطی

در قوانین داخلی بسیاری از کشورها به حقوق نسل های آینده اشاره شده است. مهم ترین قانونی که در بالاترین سطح مقررات ملی قرار دارد و یکی از پیشرفته ترین اصول در زمینه قوانین هدایتی و نظارتی حفاظت از کلیه عوامل محیط زیست، قوانین حافظ برابری نسل ها و نیز قوانین تلفیق طرح های توسعه با حفاظت محیط زیست در سطح کلان می باشد، قانون اساسی است. تنها اصلی که به طور صریح مفهوم حقوق نسل های حاضر و آینده را در قانون اساسی ایران مورد توجه قرار داده اصل ۵۰ قانون اساسی است. همچنین تعدادی از کشورها قواعدی راجع به نسل های آینده در قوانین اساسی خود گنجانده اند. به عنوان مثال، ژاپن، بولیوی، اکوادور، آلمان، کنیا، نروژ و آفریقای جنوبی و غیره حقوق نسل های آینده در قوانین اساسی آنها مندرج است. همچنین یک بحث حقوقی پیرامون تمایز بین «نگرانی های مشترک» و «میراث مشترک» وجود دارد که اهمیت هر دو از یک دیدگاه بین المللی و بین نسلی است. اشاره به نسل های آینده در

قانون اساسی از طریق عباراتی مانند «برای»، «به نفع»، محیط زیست (که در آن نسل‌های آینده ایجاد می‌شوند) معرفی می‌گردد. با توجه به موارد بررسی شده هرچند به جایگاه حقوق نسل‌های آینده در اسناد و مقررات ملی اشاره شده ولی با این حال هنوز تعریف مشخصی از نسل‌های آینده در مقررات داخلی و حقوق بین‌الملل به ویژه حقوق بین‌الملل محیط زیست وجود ندارد که این مسأله از عوامل بازدارنده این مفهوم در تبدیل شدن به یک اصل مورد پذیرش جامعه بین‌المللی است (Tanzi & Arcari, 2021:76)، اما قدر متقین در توجه به حقوق نسل‌های آینده آن است که باید از استفاده بی‌رویه از منابع و تخریب عمده‌ی محیط زیست خودداری کرد، چراکه انصاف اقتضاء دارد که نگاهی به فرزندان خود و رفاه آنها داشته باشیم. ابهامی که در اینجا صورت می‌گیرد این است که با توجه به منابع محدودی که وجود دارد و افزایش روزافزون جمعیتی که نسل حال با آن روبه است، چگونه می‌توانیم برای آیندگان قائل به الویت باشیم. از طرفی حتی اگر نسل حاضر به خوبی از کلیه منابع حفاظت نمایند و قادر باشند که جهان را با کلیه‌ی مجموعه‌ی درونی آن به نسل آینده انتقال دهند، هیچ ضمانتی وجود ندارد که آیندگان نیز چنین حقی را برای نسل مابعد خود قائل شوند. بنابراین روشن است که محتوای حقوق نسل‌های آینده از نظر حقوقی دارای ابهام است. در حقیقت اگر مفهوم نسل‌های آینده هم روشن شود، موضوع حقوق نسل‌های آینده نیز روشن نیست.

۴. حقوق بین‌الملل محیط زیست و حفاظت از آن

عوامل بسیاری موجب تخریب شدید کره زمین به خصوص در دهه‌های اخیر شده که محرک اصلی تمامی آنها انسان می‌باشد، موضوع محیط زیست به عنوان یک مسئله جهانی از دهه‌ی ۷۰ ابتدا در جوامع صنعتی و سپس در دیگر نقاط دنیا مطرح شد. مباحث عمومی درباره‌ی محیط زیست و اثر متقابل آن با فعالیت‌های اقتصادی به نیمه‌ی دوم قرن ۲۰ اختصاص دارد که کنفرانس استکهلم نقطه‌ی عطف آن است. بدیهی است که واژه‌ی محیط زیست، خود وابسته به عوامل دیگری به نام موجودات زنده می‌باشد که بدون وجود آن‌ها مفهومی نخواهد داشت. هدف اصلی حقوق بین‌الملل محیط زیست را می‌توان پیشگیری از آلودگی محیط زیست و حفاظت از آن برای نسل

های حاضر و آینده و تضمین فرآیند توسعه پایدار دانست (Tanzi & Arcari, 2020:8).

۱-۴. مفهوم محیط زیست و حفاظت از آن

با پیشرفت روزافزون تکنولوژی و استفاده ی بی رویه از آن توسط بشر، موضوع جدیدی تحت عنوان محیط زیست و صدمات زیست محیطی در محافل علمی و سیاسی مطرح گردید. بدیهی است که واژه ی محیط زیست، خود وابسته به عوامل دیگری به نام موجودات زنده می باشد که بدون وجود آن ها مفهومی نخواهد داشت. در فرهنگ عمید واژه ی محیط به معنای احاطه کننده و جایی که انسان در آن زندگی می کند و واژه ی زیست به معنای زندگی آمده است که ترکیب آن ها را می توان به معنای محل زندگی تعبیر نمود. محیط زیست دست کم به معنای امروزی آن در بسیاری از زبان ها یک اصطلاح نو و تازه است. سابقه ی کاربرد آن در فرانسه، به قرن ۱۲ برمی گردد. این اصطلاح از آغاز دهه ۱۹۶۰ کاربرد پیوسته پیدا کرده است. الکساندر کیس معتقد است که عوامل و مظاهر طبیعی و یا اکوسیستم که به عبارت دیگر محیط زیست نامیده می شود، مجموعه ای متشکل از هوا، آب و ذرات معلق مانند گرد و غبار می باشد. او می گوید: «فضای حیاتی شامل هوای بخشی از کل اتمسفر است که کره زمین را در بر گرفته و نزدیک ترین قشر آن به زمین می باشد.» خود هوا نیز مجموعه ای از گاز های مختلف است. خاک یا زمین یکی دیگر از عوامل تشکیل دهنده محیط زیست می باشد که محل انجام تمام فعل و انفعالات موجودات زنده است. محیط زیست موجودات زنده، مجموعه ای از نظام های اتمسفر (آب، هوا و ذرات معلق)، پدروسفر (زمین)، بیوسفر (قشر زیست محیطی) و هیدروسفر (آب) می باشد که مجموعه ی این نظام ها به علاوه نیروی خورشید، فضای زیست محیطی را برای موجودات زنده آماده می کند، پس کلیه ی فعالیت های موجودات زنده و شکل گیری تمدن های بشری در بستر مجموعه ای از عوامل فوق که محیط زیست را تشکیل می دهند، امکانپذیر است. ناگفته پیداست که دنیای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی امروز، رابطه ی تنگاتنگی با محیط زیست دارد (Kiss & Shelton, 1991) محیط زیست انسان را می توان به سه بخش تقسیم نمود:

محیط زیست طبیعی، مصنوعی و اجتماعی. زیست طبیعی شامل طبیعت جاندار و بی‌جان، تشکیل دهنده فضای زنده، زمین یا همان بیوسفر می‌باشد. بر اساس یکی از برنامه‌های یونسکو به نام انسان و بیوسفر، واژه بیوسفر کل محیط زندگی ما، یعنی بخشی از دنیا که تا آنجا که ما می‌دانیم تمام زندگی در آن متمرکز شده است و زمین و چند صد متر بالا و زیر سطح زمین و اقیانوسها را در بر می‌گیرد. به عبارت دیگر کل کره‌ی زمین و هر جا که حیات وجود دارد به عنوان بیوسفر و آنچه که در جو موجود است اتمسفر نامیده می‌شود (تایلر و فیچتر، ۲۰۱۵: ۶).

علم اکولوژی نیز به عنوان شاخه‌ای از زیست‌شناسی به معنای بوم‌شناسی، به مطالعه کنش متقابل نظام‌های جاندار و بی‌جان کره‌ی زمین و بررسی محل زندگی موجودات زنده می‌پردازد و نیز اکوسیستم‌ها را مورد مطالعه قرار می‌دهد. اکوسیستم‌ها واحدهایی هستند که حاصل کنش متقابل گیاهان، جانوران و ترکیبات فیزیکی و شیمیایی محیط زیست آن‌ها می‌باشند. و اما محیط زیست مصنوعی که ساخته دست بشر می‌باشد که شامل تمام شهرها، خانه‌ها و خلاصه تمدن موجود بشری است و محیط زیست اجتماعی شامل جامعه و افرادی می‌باشد که در آن زندگی می‌کنند که با توجه به تعریف آن همگی خانواده‌ها، همسایه‌ها و خلاصه زندگی انسانی را با تمام ابعاد اجتماعی در بر می‌گیرد. البته این سه بخش از یکدیگر قابل تفکیک نبوده و با هم پیوسته هستند (شریعت پناهی، ۱۳۹۳: ۱۵۵).

آنچه که تعریف محیط زیست را از دید حقوقی دشوار می‌کند، انتزاعی بودن واژه‌ی «محیط زیست» است. با این‌واژه برخورد‌های متفاوتی توسط نویسندگان و نهاد‌های مختلف صورت گرفته است. اما در میان این برخورد‌های متفاوت به نظر می‌رسد که در نهایت می‌توان به دو طبقه‌ی وسیع رسید. یکی از دو نحوه نگرش بر محیط زیست انسانی به معنی آن عوامل و عناصری از طبیعت که مستقیماً به حیات و بقا و سلامت نوع انسان مربوط است تمرکز و تأکید دارد تا دیگر عوامل که شامل تمامی محیط زیست طبیعی می‌باشد، در حالی که نگرش دیگر شامل تمامی محیط زیست طبیعی است بدون در نظر گرفتن اینکه عامل مطروحه به شکل مضیق به حیات بشری مربوط است یا خیر. پس از درک معنای محیط زیست باید گفت که مفهوم

حفاظت از محیط زیست و بحث‌های تخصصی مربوط به آن پس از درک اولیه از خطراتی که محیط زیست را تهدید می‌کند، مطرح می‌گردد. رقابت در بهره‌گیری از منابع کمیاب موجب برخورد و تصادم می‌شود ولی حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی، گامی مثبت در جهت عدالت است. می‌توان گفت حفاظت از محیط زیست به معنای استفاده‌ی صحیح انسان از فضای حیاتی می‌باشد به طوری که حداکثر استفاده‌ی مفید را برای نسل کنونی بشر تأمین نموده و ظرفیت منابع موجود برای نسل‌های آینده را حفاظت نماید و هم‌چنین اعلامیه‌ی ۱۹۷۲ استکهلم در مورد محیط زیست بشر در یکی از مواد خود دیدگاهی متمرکز بر انسان به محیط زیست داشته است. این ماده مقرر می‌دارد: «منابع طبیعی زمین، شامل هوا، آب، گیاهان و حیوانات و مخصوصاً نمونه‌های معرف اکوسیستم‌های طبیعی باید برای منافع نسل‌های حال و آینده از طریق برنامه‌ریزی یا مدیریت دقیق‌انگونه که مناسب است محافظت شوند.» (Stockholm declaration on the human environment, 1972).

۲-۴. تاریخچه حقوق بین‌الملل محیط زیست

به دنبال علل مختلفی که منجر به ایجاد عوارض سوء و تهدیدات جدی بر پیکره‌ی طبیعت و محیط زیست گشت و به دنبال به صدا درآوردن زنگ خطر از جانب دانشمندان سرانجام جامعه‌ی بین‌المللی به خود آمده و در مقابل آن هشدارها عکس‌العمل شدید و قوی از خود نشان داده است و اکنون حفاظت از محیط زیست در حقوق بین‌الملل از جایگاه رفیعی برخوردار است. تا قبل از قرن ۲۰ اقدامات جدی برای حفاظت از محیط زیست به عمل نیامده است و اقدامات واقعی در جهت حفظ محیط زیست به آغاز قرن ۲۰ بر می‌گردد. کنوانسیون ۱۹۰۲ راجع به حفاظت از پرندگان مفید برای کشاورزی، اولین کنوانسیون چندجانبه‌ای که در ارتباط با حفاظت از برخی گونه‌های وحشی بود. در میان متون اولیه‌ی بین‌المللی که به شکل جزئی از محیط زیست حفاظت می‌کردند، چند معاهده‌ی آب‌های مرزی میان ایالت متحده و کانادا است که هنوز لازم‌الاجرا هم هست و به نحو چشم‌گیری در طول دهه‌ی ۱۹۷۰ توسعه یافت. معاهده‌ی مذکور کمیسیون را تأسیس نمود که در موضوعات آلودگی نقش مؤثری را ایفا کرده است (امیر ارجمند، ۱۳۷۴: ۳۲۷). هم

چنین درفاصله‌ی بین دو جنگ جهانی تعداد قابل ملاحظه‌ای موافقت‌نامه‌های مرزی راجع آب را منعقد کردند که شامل مقرراتی درباره‌ی مسئله آلودگی آب بود. هم‌چنین در زمینه‌های مختلف، نظیر فضا و مآورای فضا و قطب جنوب و شمال معاهداتی منعقد شد که در آن‌ها به حفاظت از محیط زیست اشاره شده است. با قدری تسامح زمینه‌های واقعی حقوق بین‌الملل محیط زیست را در دهه‌ی ۱۹۶۰ باید جستجو کرد (زیاران، ۱۳۷۴: ۴۷۲).

در این دهه ۲ سازمان منطقه‌ای اسناد مهمی را تصویب کردند. در ۱۹۶۸ شورای اروپا اولین متون کلی زیست محیطی را تصویب کرد که از سوی یک سازمان بین‌المللی تأیید شد. شاخص‌ترین فعالیت ملل متحد در سال ۱۹۷۲ برگزاری کنفرانس ملل متحد در خصوص محیط زیست انسانی در استکهلم بود، دستاورد عمده‌ی این کنفرانس عبارتند از: اعلامیه‌ی محیط زیست انسانی که در آن اصول کلی برای الهام بخشیدن و هدایت مردم جهانی در نگه‌داری و تقویت محیط زیست انسانی، مجموعه‌ای از ۱۰۹ توصیه‌ی در مورد تمهیدات لازم برای مقابله هماهنگ با مشکلات محیطی و اقدامات مناسب برای تضمین تداوم بین‌المللی پیش‌بینی شده بود (میرزایی، ۱۳۷۴: ۱۱).

علاوه بر آن راجع به تأسیس برنامه‌ی محیط زیست ملل متحد یونپ^۱ تصمیم‌گیری شد و برنامه‌ی اقدامی نیز راجع به حفاظت از محیط زیست از تصویب گذشت. کنفرانس استکهلم را باید به عنوان اولین گرد همایی بین‌المللی در جهت توجه و جلب افکار عمومی جهان به سمت محیط زیست دانست، هم‌چنین روند تدوین زیست محیطی در سطح ملی و توسعه‌ی حقوق بین‌الملل محیط زیست جان تازه‌ای به خود گرفت. و در فاصله‌ی ۱۹۷۲ تا ۱۹۹۲ قریب ۳۱ کنوانسیون و پروتکل محیط زیستی تدوین شد. ۱۰ سال بعد از نشست استکهلم دومین سند بین‌المللی که در زمینه‌ی حمایت از محیط زیست از سوی مجمع عمومی ملل متحد تصویب شد، منشور جهانی طبیعت است. این منشور در راستای اجرای اصول استکهلم بود که تدابیر بیشتری را برای حفظ منابع طبیعی که برای نسل‌های حال و آینده

1. Unep

ضروری است اتخاذ نمود (Charles Alexandre Kiss & Dinah Shelton. Op. cit, P. 46). دو دهه بعد از کنفرانس استکهلم، کنفرانس ریو دوژانیرو تحت عنوان کنفرانس ملل متحد در مورد محیط زیست و توسعه با توجه به شرایط و مشکلات جدید و نیز ارزیابی تدابیری که در مدت ۲۰ سال از سوی جامعه ی بین المللی راجع به حفاظت از محیط زیست اتخاذ شده، تشکیل شد. درآستانه برگزاری کنفرانس ۱۹۹۲ مدیر اجرایی یونپ گزارشی تهیه نمود که این گزارش نشان می دهد که با وجود تلاش های به عمل آمده محیط زیست جهانی از ۲۰ سال پیش در وضعیت بدتری قرار گرفته است. او اظهار داشت که هیچ یک از مسائل عمده ی زیست محیطی مطرح شده در کنفرانس استکهلم حل نگردیده و این در حالی است که مشکلات تازه ای نیز در ابعاد سیارهای نمایان شده است (ملک محمدی، ۱۳۷۴: ۱۲). در این گردهمایی بزرگ بین المللی تحت عنوان همایش «سران زمین»^۱ اسناد مشروحه ذیل از تصویب گذشت:

- کنوانسیون راجع به آب، تغییرات آب و هوا جهت امضا دولت‌ها مفتوح گردید.
- کنوانسیون حفاظت از گونه‌های زیستی برای امضا مفتوح شد.
- تصویب بیانیه‌ی ریو راجع به توسعه و محیط زیست.
- دستور کار ۲۱.

حقوق بین الملل محیط زیست از زمان ظهور تا به کنون از فرآیند تکاملی شتابان برخوردار بوده است که مرور تاریخچه ی کوتاه آن مؤید این امر است. هم اکنون نیز تداوم این روند تکامل ضروری است چرا که مشکلات زیست محیطی رفع نگردیده است و به نظر می آید که در این رابطه اقدامات صورت گرفته به مثابه‌ی آغاز یک بند طولانی و مستمر است.

۵. حقوق بین الملل محیط زیست

عوامل بسیاری موجب تخریب شدید کره زمین به خصوص در دهه‌های اخیر شده که محرک اصلی تمامی آن ها انسان می باشد، موضوع محیط زیست به عنوان یک مسئله

1. Earth summit

جهانی از دهه ی ۷۰ ابتدا در جوامع صنعتی و سپس در دیگر نقاط دنیا مطرح شد. مباحث عمومی درباره ی محیط زیست و اثر متقابل آن با فعالیت های اقتصادی به نیمه ی دوم قرن ۲۰ اختصاص دارد که کنفرانس استکهلم نقطه ی عطف آن است. قبل از ارائه هرگونه تعریفی از حقوق بین الملل محیط زیست شاید اشاره به این نکته قابل توجه باشد که تعدادی از حقوقدانان اصولاً با استفاده از این عبارت مخالف هستند و معتقدند که چون این شاخه از حقوق بین الملل، منابع و روش وضع قواعد منحصر به فرد خود را ندارد، بنابراین نمی توان از آن به عنوان شاخه ی مستقلی از حقوق یاد کرد. با این حال اکثریت علمای حقوق با اشاره به استفاده از واژه های مشابهی نظیر «حقوق بشر»، «حقوق دریا ها» و «حقوق بین المللی اقتصادی» استفاده از عبارت «حقوق بین الملل محیط زیست» را در این رابطه امری طبیعی و مجاز می شمارند (Priour, 2011: 1108).

از دید حقوقی، حقوق بین الملل محیط زیست مجموعه قواعد بین المللی است که موضوع آن پیشگیری از آلودگی محیط زیست و هدف آن حفاظت از محیط زیست می باشد (امیر ارجمند، ۱۳۷۶: ۳۲۹-۳۲۷). در یک نگاه مختصر به مجموعه تعاریف ارائه شده از حقوق بین الملل محیط زیست، می توان دریافت که دو عنصر اساسی در همه ی این تعاریف مورد توجه قرار گرفته‌اند: اول اینکه بر اشتراک منابع حقوق بین الملل محیط زیست با حقوق بین الملل اشاره شد و آن را بخشی از حقوق بین الملل به شمار آورده اند، و دوم اینکه هدف اصلی آن پیشگیری از آلودگی محیط زیست و حفاظت از آن برای نسل های حاضر و آینده و تضمین فرآیند «توسعه پایدار» می باشد. این تعریف بر چند عنصر اساسی تکیه دارد: اول اینکه بر اساس این تعریف منابع و تابعان حقوق بین الملل محیط زیست همان منابع و تابعان حقوق بین الملل فرض شده‌اند، دوم اینکه هدف اساسی و غایی این دسته از قواعد، پیشگیری از آلودگی محیط زیست کره ی زمین به منظور یک زندگی بدون دغدغه‌ی جدی زیست محیطی برای نسل حاضر و نسل آینده است. براین اساس هدف اساسی قواعد حقوق بین الملل محیط زیست در حفاظت از محیط زیست کره زمین، صرفاً برخورداری از محیط زیست سالم نیست، هرچند که این موضوع نیز، یکی از اهداف

این قواعد به شمار می رود و هدف اصلی حفاظت از محیط زیست کره ی زمین و فراهم آوردن زمینه های لازم برای توسعه پایدار جوامع می باشد که در این صورت هم محیط زیست حفاظت شده و هم پایدار بودن فرآیند توسعه تضمین گردیده است. در واقع باید یادآور شد که مجموعه قوانینی که بتوان به آن عنوان قوانین و مقررات محیط زیست را اطلاق کرد وجود ندارد و آنچه ما با آن روبه رو هستیم مجموعه ای است از معاهدات و عرف که عرف آن بسیار محدود است (پارسا، ۱۳۷۶).

۲۶۹



رژیم های بین المللی محیط زیست با رویکرد حفظ منابع برای نسل های آینده

حقوق بین الملل بایستی به اقتضاء ماهیت متغیر مسائل و معضلات بین المللی به ساختار متحول نظام بین المللی شکل داده و تأمین کننده ثبات و امنیت باشد. این حقوق باید نوعی نظم حقوقی بین المللی متناسب با مقتضیات صلح و امنیت بشری ایجاد نماید که اجرا و اعمال آن برای کل جامعه ی بین المللی واجد نقش اساسی است. این نظم حقوقی بین المللی به اقتضای متغیر بودن نیازمندی های جامعه ی حقوقی بین المللی بوده و مبتنی بر درک نیازمندی های حیات مشترک بشری است و به عنوان نظم حقوقی بین المللی پویا مطرح می باشد و ظهور مفاهیمی هم چون «منافع جهانی» «میراث مشترک بشریت» «حفظ محیط زیست» و در نهایت «حقوق همبستگی» حکایت از این نظم حقوقی نوین دارد (طرازکوهی، ۱۳۷۵: ۳۳). امروزه حقوق محیط زیست، بخشی از حقوق داخلی و جزئی از بدنه ی حقوق بین الملل عمومی شده است. این رشته از حقوق بین الملل رشته ای کاملاً جوان است. حقوق بین الملل محیط زیست مانند سایر شاخه های حقوق بین الملل یک روند تکاملی را سیر نموده است (ملک محمدی، ۱۳۷۴: ۱۱۸).

۶. توسعه و توسعه پایدار در حقوق بین الملل

اگرچه حقوق بین الملل توسعه بعنوان یک شاخه مستقل حقوق بین الملل بعد از جنگ جهانی دوم ظاهر شده است، ولی تا به امروز توافق دقیقی درخصوص محتوی آن وجود نداشته است. حقوق بین الملل توسعه صرفاً بعنوان حقوق مرتبط با توسعه بین المللی قلمداد نمیشود. این حق شامل نه تنها حق بر توسعه، بلکه همچنین شامل مواردی نظیر حاکمیت دائمی روی منابع طبیعی، توسعه پایدار، موافقتنامه های تجارت جهانی و ...

میباشد. کارکرد حقوق بین‌الملل توسعه که با حقوق و تعهدات کشورها و سایر بازیگران بین‌المللی در فرایند توسعه ارتباط دارد، تامین نیازهای توسعه‌های خاص دنیای در حال توسعه از طریق ایجاد یک سری استانداردهای هنجاری دوجانبه در روابط اقتصادی بین‌المللی در میان کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته و همچنین میان کشورهای با سطوح مختلف توسعه در میان کشورهای در حال توسعه میباشد. بنابراین حقوق بین‌الملل توسعه دربردارنده استانداردهای هنجاری متفاوت به لحاظ سطح توسعه بوده و منجر به تکثر هنجاری میشود. با این حساب تعاریف مختلفی از حقوق بین‌الملل توسعه میتواند مطرح باشد. در یک تعریف، حقوق بین‌الملل توسعه عبارت است از: "مجموعه‌های از مقررات، اصول و قواعد با ماهیت فراملی که فعالیتهای فرامرزی مرتبط با توسعه را دربرمیگیرد" (Wang & Lobstein, 2016:2).

در تعریفی دیگر، حقوق بین‌الملل توسعه شاخه‌های از حقوق بین‌الملل است که با کنترل و تنظیم بین‌المللی ابعاد توسعه ملی و همچنین توسعه منابع مشترک جامعه جهانی (میراث مشترک بشریت) مرتبط میباشد (Sucharitkul, 2016: 12). در این تعریف حقوق بین‌الملل توسعه جزئی از حقوق بین‌الملل عمومی است که صرفاً دربردارنده تلاشها و همکاری دولتها برای گنجاندن استانداردهای فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در منشور سازمان ملل متحد و اسناد حقوق بشری میشود. بطورکلی اتفاق نظری میان کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه درخصوص محتوی و کارکرد حقوق بین‌الملل توسعه وجود ندارد. کشورهای در حال توسعه، حق توسعه را بعنوان حق دریافت مساعدت جهت نیل به سطح توسعه قابل قیاس با سطح کشورهای توسعه یافته میدانند. در حالیکه کشورهای توسعه یافته چنین تعریفی را قبول ندارند (فلدرن، ۱۳۸۴: ۴۵).

فارغ از تعاریف متفاوت، در هرگونه تجزیه و تحلیل از حقوق بین‌الملل توسعه و تأثیر آن روی سایر شاخه‌های حقوقی بایستی به وابستگی متقابل فزاینده یا جهانی شدن توجه شود. چراکه ایجاد و توسعه حقوق بین‌الملل توسعه نتیجه همبستگی فزاینده در میان کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه یا همان جهانی شدن و ادغام مسائل اقتصادی بین‌المللی است. از اینرو پیشبرد اهداف حقوق بین‌الملل توسعه مستلزم تلاشهای جمعی، همکاری فعال و عملیات مشترک توسط همه جوامع بین‌المللی اعم از دولتی و

غیردولتی میباشد. حقوق بین الملل توسعه بعنوان یک نظم حقوقی جدید به شکل اصول بنیادین و اصول قانونی ماهوی است که هنوز در حال تکامل بوده و به خاطر اینکه تلاشی در راستای ترمیم بی عدالتی زیاد گذشته نسبت به محرومترین ملل جهان میباشد عنصری برای تجدید حیات حقوق قلمداد میشود (امیرارجمند، ۱۳۹۸: ۴۴۵).

در اینجا لازم است مفهوم پایداری در اصطلاح توسعه پایدار بیشتر روشن شود. اولاً؛ همه پدیده های «ثابت» به دو دلیل نایستی با مفهوم «پایداری» یکی تلقی شوند. مفهوم اجتماعی طبیعتاً همواره در حال تغییر و تحول هستند. مطمئناً تثبیت متغیرها و ماهیت متحول پدیده های اجتماعی هم غیرممکن و هم نامطلوب است. ثانیاً؛ توسعه نیز ماهیتاً نمیتواند ثابت قلمداد شود. توسعه ذاتاً با تغییر و تحول مثبت همراه است. لذا پایداری میتواند به معنای فرایند مداوم و مستمر بهبود سیستم اقتصادی- اجتماعی و زیستمحیطی تعریف شود. برای رفع این ابهام برخی معتقدند که بایستی به جای توسعه پایدار از اصطلاح پایداری توسعه استفاده نمود (Steger, 2015:6).

توسعه پایدار به لحاظ اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و... قابل تعریف میباشد مطابق با رویکرد زیست محیطی؛ پایداری عبارت است از عدم کاهش کیفیت زیست محیطی در بلند مدت و مطابق با رویکرد اقتصادی؛ عبارت است از عدم کاهش رفاه فردی در بلند مدت اما متداولترین و تثبیت شدهترین تعریف از توسعه پایدار تعریفی است که کمیسیون برونتلند ارائه نموده است. برطبق تعریف کمیسیون برونتلند توسعه پایدار، توسعه های است که نیازهای نسل حاضر را بدون لطمه به توانایی نسلهای آتی در تأمین نیازهای خود برآورده سازد البته برخی نویسندگان این تعریف «کلاسیک» را که برای مشکلات زیست محیطی جهانی ارائه شده ولی مستقیماً اشارهای به حمایت زیست محیطی نکرده است بیارزش میدانند و برخی دیگر ادعا میکنند که این تعریف برای کسب وضعیت هنجاری در حقوق بین الملل مبهم است. بنابراین اگرچه تعریف کمیسیون برونتلند از توسعه پایدار در حوزه مباحث عمومی و آکادمیک خیلی تاثیرگذار بوده است، مستلزم شفافسازی است (Atmanand, 2019:23). چراکه پایداری تنها یک مفهوم توصیفی نیست، که صرفاً واقعیتهایی درباره موضوع خاص مطرح کند، بلکه

بایستی نظرات هنجاری درخصوص اینکه ما چه چیزی را، چقدر و برای چه کسانی بایستی پایدار نمائیم نیز ارائه نماید به هر حال اهمیت تعریف کمیسیون برون‌تلند از توسعه پایدار همین بازگذاشتن گزینه‌های احتمالی و توسعه‌های ممکن و نه مسدود نمودن آنها است.

در تعریف دیگری که توسط انجمن حقوق بین‌الملل ارائه شده است توسعه پایدار عبارت است از حق همه موجودات بشری به استانداردهای کافی زندگی بر مبنای مشارکت فعال، واقعی و آزادانه در فرایند توسعه و در تقسیم عادلانه منافع ناشی از آن. موسسه بین‌المللی توسعه پایدار، توسعه پایدار را بعنوان رفاه زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی برای امروز و فردا توصیف کرده است «کنوانسیون همکاری در زمینه حمایت و توسعه پایدار محیط‌زیست دریائی و ساحلی پاسفیک شمال شرقی ۲۰۰۲ نیز در ماده (آ) (۱) ۳ مقرر میدارد: توسعه پایدار عبارت است از؛ فرایند تغییر مترقیانه در کیفیت زندگی موجودات بشری، بعنوان هسته اصلی و تابعان اصلی توسعه، بوسیله ابزارهای رشد اقتصادی همراه با کیفیت اجتماعی و تغییر شکل روشهای تولید و الگوهای مصرف پایدار شده از طریق برقراری تعادل زیست محیطی و سیستمهای حمایتی زندگی منطقه ای، با اینکه بیش از ۲۰۰ تعریف از توسعه پایدار در طول ۲۵ سال از طرح آن توسط کمیسیون برون‌تلند ارائه شده است این مفهوم همچنان مبهم است حقوق بین‌الملل ناظر بر توسعه پایدار هنوز مبهم بوده و در جریان تعریف‌های بیشتر قرار دارد (Strange, Tracey and Bayley, 2018: 12). به هر صورت فارغ از تعریف‌های مطروحه، هدف اساسی توسعه پایدار حفظ یا افزایش دارائیهای عمومی بشری یا اجتماعی موجود اعم از طبیعی و مصنوعی برای نسل‌های آتی است، در این برداشت توسعه از سمت رشد پایدار به سمت رشد پایدار شده در حرکت است. علیرغم اینکه درخصوص مفهوم و قلمرو دقیق توسعه پایدار در میان کشورها اتفاق نظر جامعه وجود ندارد، امروزه عنوان مفهومی قلمداد میشود که واجد مشخصه‌های کلی زیر است:

الف- ارتباط نزدیک میان اهداف خط مشی توسعه اقتصادی و اجتماعی و حمایت

زیست محیطی؛

ب- تلقی حمایت زیست محیطی بعنوان یک حق لاینفک هرگونه اقدام توسعه‌ای؛

ج- ملاحظه بلند مدت اهداف ختم شی بعنوان مسئولیت فرانسلی دولت ها در یک برداشت کلی اصطلاح حقوق توسعه پایدار به یک مجموعه در حال ظهور از اسناد و اصول حقوقی بین المللی اشاره دارد که تعامل میان حقوق اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی را در نیل به منافع نسلهای حاضر و آتی تامین مینماید. نکته قوت مفهوم توسعه پایدار در دلالت ضمنی آن بر این واقعیت است که توسعه اقتصادی و حمایت زیست محیطی بطور متقابل مقوم یکدیگر بوده و هدفش ارائه یک راهکار عملی برای رفع تعارض سنتی میان این حوزه ه است.

نتیجه گیری

استفاده بی رویه از منابع طبیعی، عدم توجه به استفاده صحیح از منابع زمینی و سهل انگاری در حفاظت از این منابع، نسل های حاضر و آینده را با مشکلاتی اساسی مواجه کرده است. امروزه مسائلی چون افزایش گازهای گلخانه ای و گرمایش جهانی، کاهش لایه ازن، تخریب خاک ها، نابودی جنگل ها، جاری شدن مواد زاید ناشی از فعالیت کارخانه های صنعتی به درون رودخانه ها و دریاها، مواد منتشر شده ناشی از فعالیت نیروگاه های اتمی و موارد دیگر همگی در جهت نابودی محیط زیست قرار گرفته است. از این رو، جهان با بحران بی سابقه محیط زیستی مواجه شده است، چرا که نابودی محیط زیست بطور فزاینده ای منابع طبیعی و فرایندهای جهانی را تهدید می کند و به نظر می رسد بدون اتخاذ تدابیر و اقدامات جندجانبه و جدی توسط نسل حاضر، این احتمال می رود که در آینده امکان بقای بشر بر روی زیست کره با خطر جدی مواجه باشد و نسل های آینده از این منابع محروم شوند. از این رو مسأله بهره برداری صحیح و منطقی نسل حاضر به منظور دستیابی نسل های آینده به منابع جایگاه ویژه ای می یابد. از آن جا که هیچ دلیل و برهانی بر برتری نسل حاضر در استفاده از منابع موجود به طور انحصاری بر منابع طبیعی نیست، لذا نسل حاضر مسئولیت بیش تری در حفاظت از محیط زیست دارد، بدین معنا که با توجه به آن که نسل های آینده در روند ایجاد موافقت نامه های بین المللی حضور ندارند، نسل حاضر باید تضمین کننده منافع نسل های آینده شد. موضوع مهمی که باید پیوسته در نظر داشت، نسل های آینده هستند که دارای حق می باشند. بی توجهی به منافع و مصالح آنها و محفوظ نداشتن

حق انتخابشان و ضرورت هاشان، یعنی دزدیدن از فرزندان خودمان. بر اساس توسعه پایدار نباید منابع اساسی طبیعی را که متعلق به آیندگان هم هست بی‌ملاحظه مصرف کرد و ثروت طبیعت را که مایه‌ی غنای زندگی انسان است تباه گرداند. در واقع، هر شخصی امانتدار منابعی است که نسل‌های آینده بشر بدان نیاز دارد و نه تنها در برابر کسانی که در حال حاضر در پناه آن‌ها زندگی می‌کنند، بلکه در برابر همه‌ی بشریت و برای همیشه متعهد است. انسان باید در بهره‌برداری از منابع، نه تنها به حقوق افراد جامعه توجه داشته باشد (عدالت درون نسل‌ها) بلکه به حقوق نسل‌های آینده که چنین منابعی ضامن حیات و بقای آن‌ها می‌باشد، نیز توجه کامل و مبذول داشته باشد (عدالت بین نسل‌ها). مباحث و موضوعات مربوط به محیط زیست از جمله ضرورت‌های زمان ما می‌باشد و این به دلیل استفاده بی‌رویه و غیر اصولی از منابع طبیعی و آلودگی شدید محیط زیست طبیعی است. پیشرفت‌های تکنولوژیک بی‌سابقه بشر از یک سو، ضعف حس مسئولیت‌پذیری و اخلاق از سوی دیگر و سرانجام رقابت کنترل نشده اقتصادی بین کشورها و شرکت‌ها زمینه‌های چنین وضعیتی اسفناک و نگران‌کننده را پدید آورده است. این در حالی است که تخریب عمده‌ی یا غیر عمده‌ی محیط زیست در برخوردهای داخلی و بین‌المللی موجب آسیب‌های جبران‌ناپذیر به محیط زیست طبیعی می‌شود. همه این‌ها موجب توجه ویژه به محیطی شده است که برای ادامه‌ی حیات بشری ضروری است. حقوق بین‌الملل، که برقراری نظم بین‌المللی در پرتو صلح و امنیت و همکاری کشورها مهم‌ترین هدف آن است، نیز در چند دهه‌ی اخیر در این زمینه توسعه نسبتاً قابل توجهی داشته است، به اندازه‌ای که امروزه رشته‌ی حقوق محیط زیست در کنار سایر رشته‌های حقوقی تدریس می‌گردد. در این پژوهش این سؤال ایجاد شد که آیا نسل‌های آینده دارای حقوق می‌باشند یا خیر؟ در طول پژوهش نظرات و عقیده‌های حقوق دانان و نظریه‌ی پردازان مختلفی در این حیطه بررسی شد و هر کدام عقیده و نظر خاص خود دارا داشتند اما آنچه را به عنوان نتیجه می‌توان مطرح ساخت این است که نسل‌های آینده به صورت مسلم به وجود می‌آیند و آن‌ها نیز گونه‌ای هستند که به شرایط محیط زیستی ضروری برای بقا نیازمندند و نسل‌های حاضر تعهداتی دارند که المثنای آن‌ها حقوق

نسل‌های آتی است. به عبارت دیگر میان حقوق و وظایف روابط دیالتیکی برقرار است که باید ما را از وحدت ذاتی نوع بشر در هر زمان و مکان آگاه کند. در پاسخ به این سؤال که برای نسل‌های آینده چه حقوقی باید قائل شد غالباً گفته می‌شود که همه‌ی حقوقی که در سی ماده‌ی اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر برشمرده‌اند، تنها در یک کلام خلاصه می‌شود: حق زندگی شرافتمندانه که در واقع حاصل جمع حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. همین مجموعه‌ی حقوق بی شک در مورد حقوق نسل‌های آینده مصداق دارد. به علاوه‌ی یک بعد اضافی یعنی بقای حیات بشر: این در واقع به معنی تضمین حق زندگی شرافتمندانه روی زمینی است که قابل سکونت باشد و از دیگر حقوق که در این برهه از زمان حائز اهمیت بسیاری است حقی است که برخی آن را «حق صلح و آرامش و قربانی جنگ نشدن» تعبیر کرده‌اند و در باب این پرسش که آیا ما مدیون یک وظیفه نسبت به نسل‌های آینده مبنی بر حفظ محیط زیست جهانی هستیم یا خیر، فرض اساسی رایج تقریباً در هر کتاب و مقاله‌ای در مورد محیط زیست جهانی این است که نسل حاضر مدیون یک وظیفه به نسل‌های هنوز متولد نشده به منظور حفظ تنوع و کیفیت منابع زیست محیطی سیاره زمین است. به عنوان اعضای از گونه‌های مشابه، ما متمایل به زنده ماندن و حفاظت از حقوق نسل‌های آینده هستیم برای مثال، تنفس آنان از هوای پاک، نوشیدن از آب تمیز و سالم و غیره. بنابراین حقوق و تعهدات سیاره‌ای وجود دارند بدین معنی که نسل‌های آینده حق دارند که این سیاره را نه در شرایطی بدتر از آنچه که نسل‌های قبل بدست آورده‌اند، دریافت کنند و تنوع قابل مقایسه‌ای از منابع طبیعی، فرهنگی و دسترسی عادلانه را برای استفاده به ارث برند. با این حال وظیفه‌ی اصلی ما متضمن یک حق طبیعی منفی است و آن جلوگیری کردن از آسیب رساندن به توانایی نسل‌های آینده برای زنده ماندن است. در حالی که به صورت مستقیم در برابر نسل‌های آینده مسئولیت نداریم اما با در نظر گرفتن آنان عمل می‌نماییم و علت این امر این است که، انسان‌های آینده حق بقا دارند و نسل‌های حاضر دارای تعهد اخلاقی مبنی بر جلوگیری از آسیب‌های احتمالی و حفظ شرایط اساسی قابل قبول، می‌باشند. ارجاع به نسل‌های آینده در طیف وسیعی از اسناد حقوقی ملی و بین‌المللی از

جمله معاهدات، اعلامیه‌ها، کنوانسیون‌ها و قوانین اساسی صورت گرفته است و نهادهای ملی نیز در حوزه‌های قضایی مختلف با اختیار مربوط به حفاظت از منافع نسل‌های آینده تأسیس شده‌اند. همانطور که ذکر گردید اغلب اسناد حقوقی، چه ملی و چه بین‌المللی به حقوق نسل‌های آینده اشاره دارند همانند اعلامیه‌ی استکهلم و دیگر اسنادی که در طول تحقیق مورد بررسی قرار گرفت. باید گفت که برای زمین و بشریت بسیار مهم است که نهادهای حاضر یاد بگیرند که به حقوق نسل‌های آینده احترام بگذارند و نیازهای کسانی که هنوز در راه هستند را در نظر بگیرند. حقوق نسل‌های آینده آغاز به شناخته شدن به عنوان بخش ضروری از تصمیم‌گیری‌های سیاسی و حتی به عنوان یک الزام قانونی در تعداد فزاینده‌ای از کشورها کرده است. در واقع، برخی از کشورها و جوامع طراحی ابزارهای نوآورانه را برای نشان دادن صدای نسل‌های آینده در فرآیند سیاست‌گذاری شان آغاز کرده‌اند. در این نقطه از زمان تجزیه و تحلیل و بیان کردن نهادهای جدید داخلی و بین‌المللی که برای ارائه کردن حقوق نسل‌های آینده کار می‌کنند مفید و کمک‌کننده است.

منابع

- آخوندزاده، م، (۱۳۸۰)، «محیط زیست و ضمانت اجرای آن»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز
- ابواللیل، و الألفی، م، (۱۴۰۶ ق)، «المدخل الی نظریة القانون و نظریة الحق»، جامعه الکویت. الصده، ع ف، (بی تا)، «اصول القانون»، دار النهضة العربیة، البیروت.
- برنیر، ش، (۱۳۹۰)، «تحولات جدیدة حقوق بین الملل عمومی در مورد قانونی بودن آزمایش های اتمی در دریای آزاد»، ترجمه رضا فیوضی، مجله حقوقی، شماره ۵، بهار.
- تقی زاده انصاری، م، (۱۳۷۶)، «حقوق محیط زیست»، انتشارات سمت.
- تناغو، س ع (بی تا)، «النظریة العامة للقانون»، منشاه المعارف، اسکندریه.
- جعفری لنگرودی، م ج، (۱۳۹۲)، «مقدمه عمومی علم حقوق»، انتشارات گنج دانش.
- سلطان، ا، (۱۳۸۳)، «المبادئ القانونیه العامه - کلیه التجاره»، دار النهضة العربیة.
- سیمبر، ر، (۱۳۸۳)، «حقوق بشر در چهارچوب محیط زیست»، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۲۰۱-۲۰۲.

- کاتوزیان؛ ن، (۱۳۹۰)، «فلسفه حقوق»، انتشارات بهنشر، ج اول.
- معینی میبدی، ح، (۱۳۸۶)، «توسعه پایدار، محیط زیست: محور جدید در تبیین معادلات سیاسی بین المللی در کتاب روندهای جدید بین المللی»، به اهتمام: محمد جواد ظریف و مصطفی زهرایی، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی
- نژندی منش، ه، و خیاطیان، س، (۱۳۸۸)، «نقش دیوان بین المللی دادگستری در تدوین و توسعه هنجارهای محیط زیست در کتاب حقوق محیط زیست (نظریه‌ها و رویه‌ها)» به اهتمام احمد علی محسن زاده، نادر ساعد و علی سمیعی، انتشارات خرسندی
- امیرارجمند، ا (۱۳۹۸)، «حقوق بینالملل و اندیشه عدالت» مجله تحقیقات حقوقی، ش ۱۲-۱۱.
- بیگزاده ا (۱۳۹۱)، «حقوق بینالملل در تکاپوی ارزشهای خود: صلح، توسعه و دموکراسی»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۳۶-۳۵.
- پی نینتی، کریشنا رائو (۲۰۱۸)، توسعه پایدار، اقتصاد و سازوکارها، مترجم: احمد رضا یوری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شمسایی، م (۱۳۹۵)، «حقوق بینالملل اقتصادی و اصل توسعه پایدار»، پژوهش حقوق و سیاست، ش ۱۹.
- شهبازی، آ (۱۳۹۶)، «توسعه پایدار یا پایداری توسعه»، مجله حقوقی بینالمللی، ش ۴۲.
- عباسپور، م (۱۳۹۸)، انرژی محیط زیست و توسعه پایدار، تهران: موسسه انتشارات علمی دانشگاه صنعتی شریف.
- عبداللهی م (۱۳۸۹)، «اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت در حقوق بینالملل محیط‌زیست»، فصلنامه پژوهش حقوق، س ۱۲، ش ۲۹.
- فلدرن، ه (۱۳۸۴)، آیگناتس زایدل، حقوق بینالملل اقتصادی، مترجم: سید قاسم زمانی، تهران: شهر دانش.
- Akehurst, M, (1988), "A Modern Introduction to International law", Unwin Hyman, London
- Atmanand, A. K. (2019). "Gupta, Energy and Sustainable Development-An Indian Perspective, World Academy of Science". Engineering and Technology. Vol .
- Bradbrook A. J., Lyster R., Ottinger R. (2015). The Law of Energy for Sustainable Development. First Published. New York: Cambridge University Press.
- Bradbrook, A. J. and others (۲۰۱۶) The Law of Energy for Sustainable Development. University of London Press.
- Brenton, T. (2019). *The greening of Machiavelli: the evolution of international environmental politics* (Vol. 4). Routledge.
- Broms, R, (1987), "Natural Resources, Sovereignty over" EPIL, Vol.10.
- Cao, Mingde (2016). "The Current and Future Trends in Chinese Environmental and Energy Law and Policy". Pace International Law Review. Volume. Issue-۱۹. ۱.

- Chinkin, C, (1998), "International Environmental law in Evolution, in law, in Environmental Decision-Making, National, European, and International Perspectives" Clarendon press, oxford.
- Drexhage, John and Murphy, Deborah (2020). Sustainable Development: From Brundtland to Rio 2012, Background Paper Prepared for Consideration by The High-Level Panel on Global Sustainability at Its First Meeting.
- Gunniangham, N, (1998), "Smart Regulation Designing Environmental Policy", Clarendon press, oxford
- IAEA. (2020). Maintaining and increasing the overall assets Available to future generations Nuclear Power and Sustainable Development.
- Marsden, S, (2008), "Strategic Environmental Assessment in International & European law", Earth scan
- Robinson, D, (1998), "Regulatory Evolution in Pollution Control in law, In Environmental Decision - Making, National, European, and International Perspectives" Clarendon press, oxford
- Sand, P. H. (1993). International environmental law after Rio. *Eur. J. Int'l L.*, 4, 377.
- Tanzi, A., & Arcari, M. (2021). *The United Nations convention on the law of international watercourses: A framework for sharing*. Brill.
- Thornton, J, (2009,2010), "Significant UK Environmental Cases", Journal of Environmental law, Vol.22, Issue:2, LA.1137